همه بازیگران بین‌المللی و اپوزیسیون دولت رژیم‌صهیونیستی درباره «خیره‌سری» نتانیاهو اشتراک‌نظر دارند

منفور دوست و دشمن

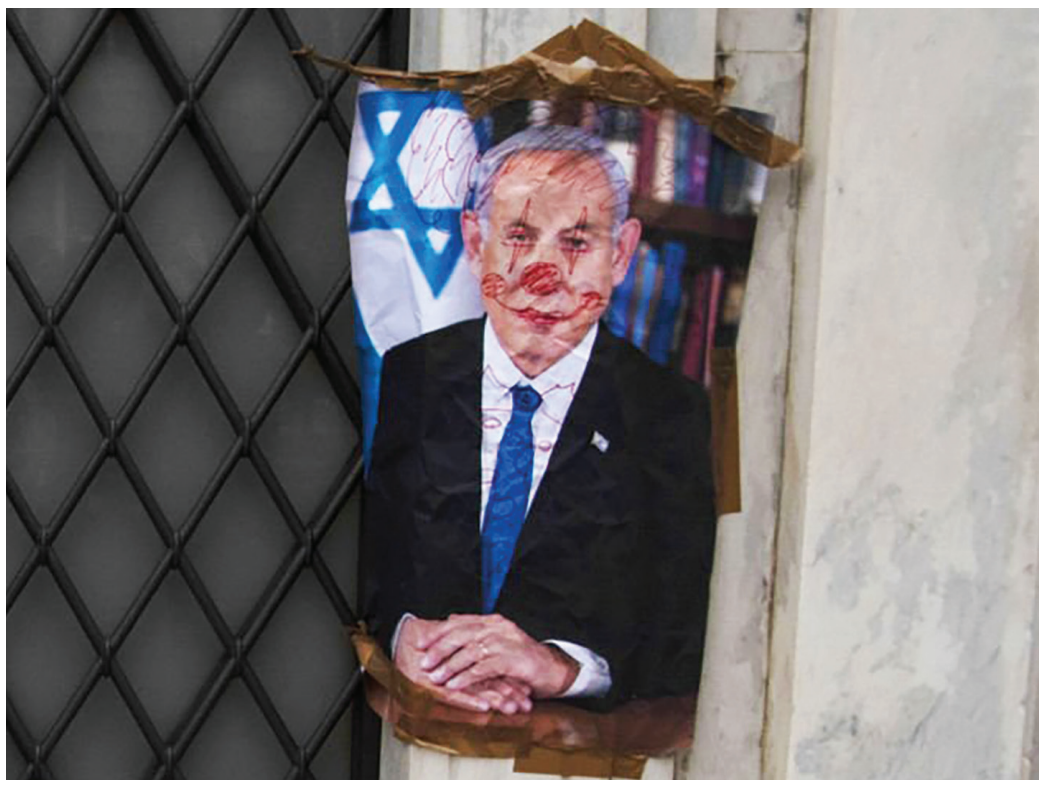

سیدمهدی طالبی
دبیرگروه جهان‌شهر

«بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی برای «صندلی قدرت» حاضر است جهان را در لبه پرتگاه قرار دهد. این برداشت درباره نتانیاهو در میان طرف‌های مختلف بین‌المللی و رقبای داخلی او در سرزمین‌های اشغالی مشترک است.

به گزارش ایسنا، به‌تازگی روزنامه آمریکایی جوویش اینسایدر گزارش داده سیاست‌های دولت بایدن در حمایت از رژیم‌صهیونیستی منجر به خشم و نارضایتی مقام‌ها و کارمندان وزارت امور خارجه واشنگتن شده است. براساس این گزارش دیپلمات‌های آمریکایی در نشست‌هایی خصوصی خواستار مجازات این رژیم شده‌اند. انتشار این گزارش که تغییر نظارت نسبت به رژیم را در بزرگ‌ترین کشور حامی تل‌آویو نشان می‌دهد حکایت از گسترش نفرت همگانی از نتانیاهو در جهان و در داخل سرزمین‌های اشغالی دارد.

همه دولت‌ها و احزاب رقیب که بعضا در حالت دشمنی با یکدیگر قرار دارند، می‌دانند نتانیاهو تصمیم گرفته برای باقی ماندن در پست نخست‌وزیری همه را به جان هم بیندازد. به همین دلیل دشمنان هم به دشمنی کردن با یکدیگر با دیده تردید و احتیاط می‌نگرند. براساس چنین برداشتی اصلی‌ترین متحدان رژیم‌صهیونیستی در جهان درصدد پررنگ‌تر کردن مخالفت‌های خود با نتانیاهو برآمده‌اند.

در آمریکا دولت جو بایدن که طی ماه‌های اخیر انتقاداتی ضد تل‌آویو داشته است، با این وجود به کوتاهی در مهار رژیم متهم شده و تحت فشار است. دولت انگلیس در مخالفت با درخواست نتانیاهو برای تروریستی نامیدن سپاه، با او فاصله‌گذاری کرده است. در این میان اخباری درباره مشاجره لفظی وزیر خارجه آلمان با دولتمردان صهیونیست به رسانه‌ها درز کرده است. برداشت‌های منفی درباره نتانیاهو در داخل جامعه صهیونیستی‌ها علی‌رغم جنگ مدت‌هاست شدیدتر شده است. احزاب اپوزیسیون ماه‌هاست تاکید دارند برای نخست‌وزیر منافع شخصی اهمیت بیشتری نسبت به منافع رژیم دارد.

در این میان بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی با همراهی متحدانش در داخل سرزمین‌های اشغالی و ارتباطاتی که با جناح خود در لابی صهیونیسم دارد، درصدد مدیریت اوضاع برآمده است. خنثی‌سازی مخالفت‌ها در غرب با اقدامات دولت نتانیاهو در ترکیبی از لابی‌گری و فشارهای رسانه‌ای جناح مورد حمایت وی صورت می‌گرفت اما به‌تدریج نخست‌وزیر رژیم درصدد هماهنگ‌سازی تمام ابزارهای خود است. جنگ‌افروزی در منطقه برای مدیریت رفتاری غرب و مجبور ساختن این مجموعه برای ارائه کمک‌های حداکثری به او نشانه‌ای از این هماهنگ‌سازی ابزارهاست.

نتانیاهو در پنجمین مرحله از جنگ در غزه به شکل پررنگی سیاست «جنگ تکثیر»شونده را پیگیری می‌کند که در آن درصدد قرار دادن ایران و غرب در یک درگیری مستقیم است. تهران پیش از این طی ماه‌های ابتدایی جنگ از ورود مستقیم به درگیری‌ها خودداری کرده بود اما پس از حمله ۱۳ فروردین رژیم به اماکن دیپلماتیک ایران در سوریه، پاسخ سهمگینی در ۲۵ فروردین ترتیب داد. نتانیاهو پیش از پاسخ ایران به‌شدت امیدوار بود تهران با پرتاب تعداد محدودی پهپاد یا موشک کروز به شکل مستقیم یا غیرمستقیم وی را در بازیابی جایگاهش در غرب یاری کند اما پاسخ حجمی-کیفی تهران که با پیوست رسانه‌ای مناسب همراه شد، نخست‌وزیر رژیم را بیشتر از گذشته در گوشه رینگ قرار داد.

نتانیاهو به جای مواجهه با تعداد انگشت‌شماری موشک ده‌ها موشک دریافت کرد. به عبارتی دیگر ایران به جای آنکه با پرتاب چند موشک که حکم داروی درمانی برای نتانیاهو داشتند دوز بالایی از موشک را به او تزریق کرد تا ضمن ارائه پاسخ، کمکی به حل مشکلات او نکرده باشد. پاسخ ۲۵ فروردین ایران حاوی کمکی که نتانیاهو انتظار داشت نبود بلکه به دلیل ابعاد بزرگ بر عمق مشکلات او افزود.

احزاب و ساکنان سرزمین‌های اشغالی که رژیم را غرق در مشکلات می‌دیدند از اقدام نتانیاهو که باعث چنین پاسخی از سوی ایران شد، خشمگین شده‌اند. علاوه‌بر آن متحدان غربی تل‌آویو دیدند نتانیاهو چگونه برای به تله انداختن آنها برخلاف منافع‌شان توطئه می‌کند.

وضعیت نتانیاهو در غرب

درباره دموکراسی در جهان حرف و حدیث‌های زیادی وجود دارد. دموکراسی غربی در برخی از موارد اجرا شده و در حوزه‌هایی مسکوت می‌ماند. نمونه آشکار، گسست در نظرات ملت‌ها و دولت‌ها طی جنگ غزه است. مردم غرب مخالف کشتار در غزه و دولت‌های غرب حامی جنایت بوده‌اند.

از این رو نمی‌توان تمام تغییرات سیاسی بر ضد رژیم را ناشی از فشار دیدگاه‌های مردمی دانست. ملت‌های غربی طی هفت ماه جنگ همواره نظر مشابهی ضدجنایت داشته‌اند و حتی به همین دلیل مورد طعنه دولتمردان قرار گرفتند که در آن حامیان فلسطین را خارجی می‌نامیدند. تغییرات ماه‌های اخیر در تعامل کشورهای غربی با رژیم را می‌توان در چهارچوب منافع دید؛ جایی که در آن مقامات غربی برای منافع خود وارد انتقاد از نتانیاهو شده و در این مسیر از دیدگاه‌های مردمی به‌عنوان ابزار فشار و توجیه اقدامات خود استفاده می‌کنند. نمونه برجسته این پدیده، نحوه موضع‌گیری‌های نانسی پلوسی است. این سیاستمدار کهنه‌کار آمریکایی پیش از این رئیس مجلس نمایندگان آمریکا و رهبر دموکرات‌ها در آن بود. وی امروزه نیز همچنان عضوی از مجلس نمایندگان است. او در ماه‌های اولیه جنگ علیه تظاهرکنندگان آمریکایی حامی فلسطین موضع‌گیری می‌کرد اما در ماه‌های اخیر نظر خود را تغییر داده است. پلوسی درحال حاضر مخالف ارسال سلاح‌های آمریکایی به فلسطین اشغالی است.

زمانی که جنگ صرفا محدود به غزه بود، آمریکایی‌ها معتقد نبودند این جنگ می‌تواند پای آنها را به درگیری‌های غرب آسیا باز کرده و به گرفتاری بزرگ و طولانی‌مدت آنها منجر شود. از این رو سیاستمداران آمریکایی مانند پلوسی توجهی به نظرات مردم درباره توقف جنگ در غزه نداشتند. این رویه اما زمانی تغییر کرد که آمریکا متوجه شد روند درگیری‌ها می‌تواند واشنگتن را در باتلاقی دیگر در غرب آسیا فرو ببرد. پس بلافاصله پلوسی به یکی از ۳۲ نماینده دموکراتی تبدیل شد که خواهان توقف ارسال سلاح به سرزمین‌های اشغالی بودند. با آشکار شدن دست نتانیاهو برای آمریکایی‌ها، مخالفت‌هایی دربرابر او شکل گرفته است. این مقاومت‌ها شامل بروز مقاومت‌های ساختاری در نهادهای آمریکا و واگرایی با احزاب این کشور است. این واگرایی به میزانی بوده که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق آمریکا نیز موضع‌گیری‌هایی بر علیه سیاست‌های رژیم داشته است. ترامپ از طولانی شدن جنگ و انتشار روزانه فیلم تخریب منازل فلسطینیان انتقاد کرده و آن را باعث افزایش نفرت از رژیم معرفی کرده بود. او همچنین نسبت به گسترش جنگ نگرانی‌هایی بروز داده است.

موضع‌گیری دو نفر از برجسته‌ترین سیاستمداران آمریکایی علیه اقدامات نتانیاهو بیانگر عمق ادراک از ضربه‌ای است که اقدامات او به واشنگتن وارد می‌آورد. این ادراک باعث شد تا واکنش‌ها به دولت آمریکا با شیب قابل توجیهی افزایش یابند. این اتفاق درحالی رخ داده که دولت بایدن سعی کرده خود را منتقد نتانیاهو نشان دهد.

نشریه آمریکایی پالتیکو اخیرا گزارش کرده که یک مقام ارشد آمریکایی با انتقادهای تند از رژیم‌صهیونیستی به دلیل عدم توجه به درخواست‌ها و توصیه‌های آمریکا، رئیس‌جمهور آمریکا را به وفاداری کورکورانه از این رژیم متهم کرده است.

این مقام گفته است: «اسرائیل به هشدارهای بایدن برای اعمال خویشتنداری بیشتر و عدم حمله متقابل به ایران توجهی نکرد. واشنگتن به اسرائیل التماس کرد که این کار را انجام ندهد.» او در نکته‌ای مهم با ردیف کردن چند نهاد دولتی اضافه کرده: «به معنای واقعی کلمه هیچ کس در پنتاگون، رئیس مشترک، سیا و جامعه اطلاعاتی فکر نمی‌کرد این اقدام درست باشد. واقعا شرم‌آور است که اسرائیل تا این اندازه به حرف ما گوش نمی‌دهد، اما همه اینها رئیس‌جمهور بایدن را از وفاداری کورکورانه بازنمی‌دارد.»

انتشار این خبر حکایت از بروز اختلاف نظر میان ساختارهای دولتی آمریکا با حزب کنترل‌کننده دولت دارد. این مقام آمریکایی با تاکید بر مخالفت وزارت دفاع، ستاد مشترک ارتش، سازمان سیا و جامعه اطلاعاتی آمریکا با تحرکات دولت نتانیاهو، صف آرایی ساختارهای این کشور علیه وی و اختلاف نظرشان با دولت بایدن در این مسیر را هویدا کرده است. این مقام، در ادامه درباره انعکاس خشم ابراز شده در بخش‌های دیگر دولت درباره سیاست منطقه‌ای رئیس‌جمهور، به پالتیکو گفته است: «اسرائیل بازی خطرناکی انجام می‌دهد و احساس می‌کند همانند بایدن ما را در تنگنا قرار داده است.» این بیان حکایت از خشم نهادهای آمریکایی از نتانیاهو دارد که موفق شده دولت بایدن را تا حدودی به مسیری بکشاند که برخلاف منافع واشنگتن است.

پالتیکو در گزارش خود به مواردی پرداخته است که از نگاه ساختارهای دولتی آمریکا برخلاف منافع این کشور تلقی می‌شوند. در این گزارش آمده است: «هنوز فرصت‌های زیادی برای برافروختن مجدد شعله‌ای وجود دارد که می‌تواند منطقه را به آتش بکشد. نیروهای نیابتی می‌توانند حملات به نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه را از سر بگیرند یا کشتی‌های کانتینری را در تنگه هرمز توقیف کنند. لبنان می‌تواند موشک‌های بیشتری را به سمت شمال اسرائیل پرتاب کند و حوثی‌ها در یمن می‌توانند کشتی‌های تجاری بیشتری را که از دریای سرخ عبور می‌کنند هدف قرار دهند.»

روزنامه آمریکایی «جوویش اینسایدر» نیز در گزارشی که با گزارش پالتیکو مشابهت‌هایی دارد، به انتقادات وزارتخارجه این کشور از دولت بایدن پرداخته است.

به گزارش این روزنامه سه کارمند فاش کرده‌اند که وزارت امور خارجه آمریکا در جریان سلسله نشست‌هایی در این وزارتخانه که از ماه فوریه آغاز شد، خواستار «اقدامات بیشتر در راستای مجازات اسرائیل» شده است. براساس آنچه جوویش اینسایدر نوشته است این نشست‌ها با حضور «کرت کمپبل» معاون وزیر امور خارجه و هماهنگ‌کننده سابق هند-اقیانوسیه در شورای امنیت ملی کاخ سفید برگزار شده‌اند.

وب‌سایت محافظه‌کار آمریکایی «تاون هال» گزارش کرده کارمندان وزارتخانه تمرکز این نشست‌ها را بر راه‌هایی برای مجازات رژیم صهیونیستی از جمله اینکه چطور آمریکا «آنها را تحریم کند، کمک به آنها را مشروط یا قطع کند و جریان تسلیحات به اسرائیل را کاهش دهد» اعلام کرده‌اند. در این گزارش عدم تمایل مقامات ارشد وزارتخارجه آمریکا به دفاع از مواضع بایدن در حمایت از رژیم یک اتفاق چشمگیر توصیف شده است.

اوضاع تنها در آمریکا برای نتانیاهو سخت نشده است. جناح اروپایی غرب نیز خواهان همراهی با نخست‌وزیر رژیم نیست.

یک منبع ارشد در دولت انگلیس اعلام کرده «دیوید کامرون» وزیر خارجه این کشور در پاسخ به درخواست نتانیاهو برای تروریستی خواندن سپاه آن را از جانب نخست‌وزیر رد کرده و گفته لندن ترجیح می‌دهد راه‌های ارتباطی خود با تهران را باز نگه دارد.

«مل استراید» وزیر کار و امور بازنشستگی کابینه لندن نیز درباره تحرکات رژیم صهیونیستی در منطقه به رسانه‌ها گفته بود: «پیام ما به همه در منطقه، از جمله اسرائیل، این است که کاهش تنش واقعا مهم است.» «مواضع نخست‌وزیر، وزیر خارجه و یکی از اعضای کابینه انگلیس نشان می‌دهد لندن منافعی دارد که در تعارض با اقدامات و سیاست‌های نتانیاهو است.

علاوه‌بر انگلیس، شبکه ۱۳ تلویزیون رژیم صهیونیستی هم از مشاجره لفظی شدیدی میان بنیامین نتانیاهو و وزیر خارجه آلمان خبر داده است. به گزارش این شبکه «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با «آنالنا بربوک» وزیر خارجه آلمان دیدار پرتنشی در تل‌آویو داشته‌اند. بربوک در این دیدار به‌طور ویژه علیه سیاست گرسنه نگه داشتن غزه انتقاداتی داشته است.

گفته می‌شود وزیر خارجه آلمان نسبت به درز جزئیات این جلسه به رسانه‌ها خشمگین شده است. نشت اطلاعاتی که توسط دفتر نخست‌وزیر رژیم صورت گرفته تا برلین را به دلیل تعهد تاریخی‌اش به یهودیان تحت فشار قرار دهد. با این حال مواضع دولت آلمان نشان‌دهنده احساس خطر این کشور نسبت به منافعش است.

برلین این خطر را درک کرده که در صورت قرار گرفتن در کنار رژیم صهیونیستی برای نسل کشی، تبعات گسترده‌ای تری را نسبت به دیگر دولت‌ها متحمل خواهد شد. خاطره راه‌اندازی دو جنگ جهانی توسط آلمان، نسل کشی در جنگ جهانی دوم در خاطره افکار عمومی جهان زده است و حمایت از نسل کشی مردم فلسطین در شرایط کنونی، وضعیت بغرنجی برای آلمان ایجاد می‌کند.

رقبا و متحدان غرب

تنها غرب نیست که به شکل سراسری از آمریکا تا اروپا، از حزب دموکرات تا جمهوری‌خواه، از ساختارهای دولتی تا احزاب و از مردم تا دولت‌ها علیه نتانیاهو خروشیده است. روسیه و چین نیز با مواضع خود به‌ویژه علیه حمله رژیم به اماکن دیپلماتیک ایران در سوریه و حمایت از پاسخ تهران به تل‌آویو، خشم خود از صهیونیست‌ها را آشکار کرده‌اند. با توجه به عضویت این دو کشور در شورای امنیت سازمان ملل، قدرت و نفوذ اقتصادی چین در منطقه، حضور امنیتی- نظامی سنگین روسیه در مجاورت مرزهای فلسطین اشغالی و نفوذی که مسکو بر روس‌تباران ساکن در رژیم دارد، این مخالفت‌ها دارای پیامدهای قابل توجهی بر تل‌آویو هستند. علاوه بر آن، متحدان غرب در منطقه از ترکیه گرفته تا اردن موضع‌گیری‌هایی علنی و شدید ضد نتانیاهو داشته‌اند. دولت ترکیه در این راستا رژیم را عامل گسترش جنگ در منطقه معرفی کرده و ه چند لفظی از تلاش برای تحریم اقتصادی تل‌آویو سخن گفته است. «ایمن الصفدی»، وزیر خارجه اردن نیز در گفت‌وگو با شبکه سی‌ان‌ان با متهم ساختن نتانیاهو به جنگ‌افروزی برای بقا در مسئولیت خود، خاطرنشان کرد: «نتانیاهو بیشتر از هر طرف دیگری از تنش‌های اخیر در خاورمیانه سود می‌برد.» غرب، متحدان غرب، رقبای غرب و جناح‌های صهیونیستی داخل سرزمین‌های اشغالی که روابط قابل توجه خارجی داشته و قدرت مناسبی نیز داخل رژیم دارند، همه به برداشت مشترکی درباره نتانیاهو دست یافته‌اند که نتیجه آن «نفرت همگانی از نتانیاهو» است.

جزئیات جدیدی از عملیات تنبیهی ایران که صهیونیست‌ها از انتشار آن وحشت دارند

کابوس ۱۴ آوریل را فراموش نکن

با وجود گذشت یک هفته از عملیات «وعده صادق»، فرماندهان نظامی ایران تصمیم یا عجله‌ای برای تشریح جزئیات عملیات در سرزمین‌های اشغالی ندارند. به نظر می‌رسد استراتژی ابهام که در فرآیند پاسخ به جنایات رژیم در دستورکار ایران قرار گرفت، پس از عملیات نیز همچنان دنبال می‌شود. با این حال اما تحلیلگران بیکار ننشستند و در رسانه‌های غربی و منطقه‌ای همچون پیش از عملیات که درباره زمان، مکان و شیوه پاسخ ایران تحلیل ارائه می‌کردند پس از عملیات راهبردی تهران و باتکیه بر اطلاعات اندکی که از طریق مقام‌های نظامی منتشر شده است به تحلیل ابعاد و پیامدهای این عملیات پرداختند. به جز فیلم‌ها و تصاویر اصابت موشک‌های ایران به دو پایگاه نظامی متعلق به رژیم صهیونیستی، می‌دانیم که «ایران با تسلیحات قدیمی و توان حداقلی» عملیات کرده است. این را سردار امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران اعلام کرده است. براساس گفته‌های او، ایران در این مرحله از «موشک‌های خرمشهر، سجیل، شهید حاج قاسم، خیبرشکن و هایپرسونیک» استفاده نکرده است. با این حال اما «فرهیختگان» در گفت‌وگو با برخی منابع آگاه و همچنین تحلیل داده‌های منتشرشده در رسانه‌های غربی و داخلی، به جزئیات قابل توجهی درباره «وعده صادق» دست پیدا کرده است. طبق یافته‌های «فرهیختگان» فرماندهان نظامی ایران برای پاسخ به جنایت رژیم در حمله به کنسولگری، چهارچوب مشخصی داشتند. بر پایه پیام رهبرانقلاب عملیات می‌بایست دارای چند شاخصه اصلی می‌بود:۱- به دست نیروهای ایرانی انجام می‌شد۲- رژیم مجازات می‌شد و ۳- رژیم را از جنایت حمله به کنسولگری و امثال آن پشیمان می‌کرد. ایران به خوبی به ناتوانی‌های رژیم صهیونیستی در جنگ غزه واقف بود و می‌دانست رژیم با اقدامات ماجراجویانه و جنایت‌هایش در تلاش برای گسترش دامنه جنگ است تا از این طریق پای آمریکا را به جنگ باز کند و به شکلی آبرومند از باتلاق غزه خارج شود. لذا برپایه دستور فرمانده کل قوا عملیات وعده صادق را به شیوه مدیریت شده طراحی کرد تا هم رژیم مجازات شود و هم مانع از گسترش جنگ در منطقه شود.

طراحی عملیاتی با این ویژگی‌ها و در کنار آن لحاظ کردن توانایی مشارکت کشورهای غربی در دفاع از رژیم صهیونیستی کار را بسیار سخت و پیچیده می‌کرد. پس از بررسی‌های فراوان استراتژیست‌های نظامی با توجه به چندلایه سامانه پدافندی رژیم صهیونیستی و مشارکت قطعی چندین کشوری غربی در حمایت از رژیم، پاسخ ایران را در قالب یک عملیات ترکیبی با استفاده از پهپاد، موشک کروز و موشک بالستیک برنامه‌ریزی کردند. طراحان نظامی برای این عملیات مرحله دومی نیز تعریف کرده بودند تا در صورت پاسخ رژیم بلافاصله مرحله دوم عملیات، به اجرا در بیاید. پیش از عملیات، مقامات آمریکایی از مسیرهای گوناگون، به تهران پیغام می‌دادند که «پاسخ متوازن» به جنایت رژیم بدهد. آنها حتی جزئیاتی نیز درباره اینکه این پاسخ متوازن چه می‌تواند باشد به طرف ایرانی می‌دادند. یکی از مسائلی که آمریکایی‌ها بسیار بر آن تاکید داشتند، عدم استفاده ایران از موشک‌های بالستیک علیه رژیم صهیونیستی بود. احتمالا در کنار پیام معنادار شلیک موشک بالستیک به سرزمین‌های اشغالی واشنگتن به ضعف سامانه‌های پدافندی در برابر موشک‌های ناشناخته بالستیک ایران آگاه بود و به همین علت نیز خواهان کنار گذاشتن آن در این عملیات شده بود. به هر روی این درخواست‌ها با پاسخ منفی تهران مواجه شد. اگرچه مقامات نظامی ایران بارها به‌صورت شفاهی درباره تبعات ماجراجویی علیه ایران به برخی کشورها هشدار دادند اما کمی پیش از عملیات یکی از مقامات رده‌بالای نظامی ایران پیام تهدیدآمیزی خطاب به یکی از مقام‌های رده‌بالای نظامی آمریکا ارسال و در آن تاکید کرد که اگر آمریکا بخواهد در حمایت از پاسخ احتمالی رژیم صهیونیستی دخالتی داشته باشد، مورد هدف قرار می‌گیرد.

درنهایت عملیات «وعده صادق»، یک ساعت پس از اذان مغرب در تهران با شلیک نخستین پهپادها به سمت سرزمین‌های اشغالی آغاز شد. چند ساعت بعد نوبت به موشک‌های کروز رسید و پس از آن نیز بالستیک‌های ایرانی به سمت اهداف مشخص‌شده شلیک شدند. صهیونیست‌ها با هدف هدف‌گیری اشتباه موشک‌های بالستیک، از روزها قبل عامدانه سامانه‌های جی‌پی‌اس را مختل کردند اما این اختلال هم تاثیری در دقت موشک‌های ایرانی نداشت؛ چراکه از سال‌ها قبل برای این موضوع در بخش نظامی تدابیری اندیشیده شده بود.

در این عملیات پهپادهای فاقد تکنولوژی پیشرفته و موشک‌های کروز، وظیفه مشغول‌سازی سامانه‌های پدافندی را برعهده داشتند تا در خلال این درگیری موشک‌های بالستیک بتوانند اهداف ازپیش‌تعیین‌شده را به‌راحتی مورد اصابت قرار دهند. به موازات شلیک نخستین پهپادها، متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای رژیم صهیونیستی اقدام به همکاری‌های ویژه اطلاعاتی و فنی با تل‌آویو کردند. منابع آگاه می‌گویند که پدافند هوایی بیش از ۲۰ کشور به رژیم صهیونیستی در این عملیات کمک کرده‌اند اما با این وجود موشک‌های بالستیک ایران به اهداف ازپیش‌تعیین‌شده یعنی یک پایگاه جاسوسی در بلندی‌های جولان اشغالی و همچنین پایگاه هوایی «نواتیم» که جنگنده‌های رژیم از آن برای حمله ۱۳ فروردین به کنسولگری ایران در دمشق استفاده کرده، اصابت کردند.

در هر جنگی طرفین تلاش می‌کنند تا با استفاده از اصل غافلگیری به طرف مقابل ضربه بزنند ولی در این عملیات ایران به هیچ عنوان از اصل غافلگیری استفاده نکرد تا از این طریق و درحالی‌که رژیم صهیونیستی و متحدانش در آمادگی ۱۰۰ درصدی هستند، قدرت و توانمندی‌های موشکی خود را به نمایش بگذارد. علاوه‌بر این، منابع مطلع می‌گویند که با وجود این آمادگی اگر ایران به جای دو پایگاه نظامی رژیم صهیونیستی، چند پایگاه را هدف قرار می‌داد با توجه به گستردگی جغرافیایی این اهداف سامانه‌های پدافندی توان مقابله با موشک‌های قدیمی ایرانی را نداشتند و ضربات به‌مراتب سنگین‌تری به رژیم وارد می‌شد. با توجه به دستور رهبر انقلاب مبنی بر پاسخ ایران به این جنایت، در طراحی عملیات، نقشی برای جبهه مقاومت تعریف نشده بود اما با این وجود اضلاع این جبهه قدرتمند نیز دست به عملیات زدند. در یک نمونه مقاومت عراق موفق شد با دو موشک بالستیک شهر حیفا در سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار دهد. یکی از مسائل بسیار مهم در این عملیات تاکید بر اثبات اصابت موشک‌ها به اهداف صهیونیستی بود. طراحان عملیات مطمئن بودند پس از عملیات طرف صهیونیستی با همکاری امپراتوری رسانه‌ای غرب تمام تلاش‌شان را معطوف به کوچک‌نمایی عملیات ایران و جلوگیری از واکنش مثبت به آن می‌کنند. لذا همزمان با عملیات بخشی دیگر به بعد رسانه‌ای آن نیز توجه داشت و توانست تصاویر اصابت موشک‌ها را به دنیا مخابره کند.

طراحی عملیات «وعده صادق» مبتنی بر تنبیه و پشیمان کردن رژیم صهیونیستی از جنایاتش بود و الا موج دوم پهپادها و موشک‌های ایرانی به سمت اهداف متنوع، رژیم را به‌صورت کامل زمین‌گیر می‌کرد. سکوت فرماندهان نظامی درباره عملیات، بی‌دلیل نیست. روزها و هفته‌های بعد صدای موشک‌های ایرانی از کف خیابان و کنست رژیم صهیونیستی شنیده خواهد شد.

یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳
شماره ۴۱۱۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY